

وضعیت روند دولت – ملت سازی در جمهوری ارمنستان

دکتر افشین زرگر¹

دولت- ملت سازی از جمله مباحث جدید و بسیار مهم مطالعات روابط بین‌الملل قلمداد می‌گردد. این بحث بویژه با ورود اعضای جدید به نظام دولت‌ها در دوره پس از جنگ سرد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گشته و محققان مختلفی را برای انجام مطالعات پایه‌ای تئوریک و نیز مطالعات موردی در اقصی نقاط جهان به خود جذب نموده است. از جمله حوزه‌های مطالعاتی جدید در این باره، کشورهای پس از شوروی می‌باشند. روند دولت - ملت سازی در اکثر این جمهوری‌ها بواسطه بروز برخی چالش‌ها و مسائل مختلف داخلی و خارجی با بحران‌ها و رکودهایی مواجه شده و اکثر آنها در نظام دولت‌ها تصویر نه چندان مطلوبی را از خود جلوه داده‌اند. البته موقعیت این جمهوری‌ها از نظر پیشرفت روند دولت - ملت سازی بسیار متفاوت می‌نماید و در جایی که برخی از آنها تا مرز دولت ناکام (همچون گرجستان) پیش رفته‌اند، برخی دیگر نیز به موقعیت به مراتب مطلوب تری دست یافته‌اند (همچون جمهوری‌های بالتیک). ارمنستان نیز بعنوان یکی از جمهوری‌های سه گانه حاضر در منطقه استراتژیک قفقاز جنوبی علی‌رغم درگیر بودن با برخی مسائل و مشکلات، نسبتاً به وضعیت به مراتب بهتری بویژه در مقایسه با دو جمهوری دیگر قفقاز جنوبی دست یافته است. در این مقاله با محور قرار دادن برخی شاخص‌های اساسی روند دولت - ملت سازی، به مطالعه این روند در این جمهوری می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: دولت - ملت سازی، شاخص‌های دولت - ملت سازی، اشباع

سرزمینی، خود مختاری و حاکمیت ملی، کانون‌های نزاع، همبستگی ملی، هویت ملی، شهروندی، ناسیونالیسم، ثبات سیاسی، نهادهای سیاسی، دموکراسی.

1. مقاله حاضر در چارچوب قرارداد منعقد شده بین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و آقای افشین زرگر مبنی بر حمایت از رساله دکتری ایشان تحت عنوان "روند دولت - ملت سازی در قفقاز جنوبی" منتشر می‌گردد.

مقدمه

جمهوری ارمنستان در قفقاز جنوبی از نظر روند دولت - ملت سازی در مقایسه با دو جمهوری دیگر (و حتی اکثر جمهوری‌های بازمانده از شوروی) از وضعیت بهتری برخوردار بوده است. جمعیت تقریباً همگن آن، نداشتن مرزهای مشترک با روسیه و تاریخ و فرهنگ غنی قومی آن از جمله امکانات مثبت این جمهوری در روند دولت - ملت سازی قلمداد می‌گردد. البته این بدان معنا نیست که این جمهوری تصویری بسیار ایده‌آل از دولت - ملت سازی ارائه دهد. هنوز این جمهوری در طی روند دولت - ملت سازی با مسائل و مشکلاتی روبرو بوده و تصویر دموکراسی و توسعه اقتصادی در آن کماکان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. ارمنستان در یک بستر شدیداً تهدیدزای منطقه‌ای قرار داشته و وجود دو کانون تعارض و اختلاف موجود و تاریخی (جمهوری آذربایجان و ترکیه) تاثیرات عمیقی را بر روند دولت-ملت سازی آن برجای گذاشته و آثار مثبت و منفی چندی را در پی داشته است. ارمنستان از نظر ترکیب جمعیتی در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارد. این موضوع که بیش از 97 درصد جمعیت این کشور را یک گروه قومی تشکیل می‌دهد، امتیاز مهمی است که کمتر دولتی پس از شوروی از آن برخوردار است. به همین لحاظ برخلاف دو نمونه دیگر (گرجستان و آذربایجان) با خطر جدایی طلبی روبرو نبوده است. همچنین این کشور توانسته است بنابر موقعیت منطقه‌ای خود، از حمایت‌های روسیه در جهت تثبیت و تضمین امنیت خود استفاده چشمگیری نماید. روسیه با ارمنستان مرز مشترک ندارد بنابراین برخلاف دو جمهوری دیگر تهدیدی مستقیم برای استقلال، یکپارچگی و تمامیت ارضی آن قلمداد نمی‌شود البته روابط استراتژیک با روسیه برای ارمنستان دارای برخی آثار منفی نیز بوده است.

مقاله حاضر در پی آن است که به این سؤال مهم پردازد که "روند دولت - ملت سازی در جمهوری ارمنستان در چه وضعیتی است؟ آیا این جمهوری توانسته است به تصویری باثبات و قابل اعتماد از یک دولت-ملت نزدیک گردد یا خیر؟" برای پاسخ دادن به این سؤال و فهم بهتر وضعیت روند دولت-ملت سازی در ارمنستان، بر برخی شاخص‌های اساسی روند دولت - ملت سازی تمرکز می‌نمائیم. این شاخص‌ها را در سه دسته بندی کلی (الف) اشباع سرزمینی، (ب) همبستگی و یکپارچگی ملی و (ج) ثبات سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول - اشباع سرزمینی

اگرچه ارمنستان چندان تهدید داخلی و خارجی را برای یکپارچگی سرزمینی خود احساس نمی‌کند، ولی هنوز از نظر سرزمینی به اشباع و اقصاء کامل دست نیافته است و از این لحاظ با برخی همسایگان خود بالقوه یا بالفعل اختلاف پیدا می‌کند. چه بطور عملی و چه بطور ذهنی و روانی مابین این کشور و برخی از همسایگان اختلافات مرزی و سرزمینی وجود دارد و حتی در عمل، اختلافات این کشور با آذربایجان موجب بروز یک جنگ شدید گشته و علی‌رغم تداوم آتش بس از سال 1994، هنوز برخی از نواحی آذربایجان در اشغال ارمنستان قرار داشته و در حال حاضر چندان امیدی نیز به حل و فصل اختلافات بویژه در مورد مسئله قره باغ از طرق مسالمت آمیز وجود ندارد. همچنین بطور بالقوه و از نظر ذهنی، برخی تاریخ‌سازی‌ها، اسطوره‌ها و نمادهای ارمنی شدیداً با تمامیت سرزمینی دیگر همسایگان خصوصاً ترکیه تداخل و تعارض پیدا می‌کند لذا همواره بطور بالقوه می‌تواند منشاء درگیری و ستیز باشد.

الف) وضعیت مرزها و سرزمین ارمنستان

مرزهای سرزمینی ارمنستان کنونی و نیز ایده ذهنی که از وطن ملی در ارمنستان رایج است، هنوز به اشباع دست نیافته است. در عمل ارمنستان بیشترین اختلافات مرزی را با جمهوری آذربایجان دارد و هنوز مرز مابین دو جمهوری بطور دقیق، روشن و قطعی حل و فصل نشده است. در کانون اختلافات، مسئله قره باغ کوهستانی یا به قول ارامنه آرتساخ¹ قرار دارد. قره باغ شدیداً به روند دولت-ملت سازی در جمهوری آذربایجان نیز مرتبط بوده و تأثیرات منفی بر آن گذاشته است. ارمنستان و جمهوری آذربایجان (اران) حدود یک قرن است که بر سر مسئله قره باغ در دشمنی با یکدیگر قرار داشته‌اند. در اوایل قرن بیستم نزاع‌های خونینی مابین این دو بوجود آمد ولی نهایتاً در زمان شوروی این منطقه در چارچوب تقسیمات اداری جمهوری سوسیالیستی آذربایجان قرار گرفت که البته همواره با اعتراض ارامنه مواجه بود. پس از فروپاشی شوروی و استقلال دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان، اختلافات دو طرف مجدداً آغاز و زمینه برای نزاعی دیگر فراهم گشت. قره باغ که در چارچوب سرزمینی جمهوری آذربایجان واقع گشته، از نظر قومی دارای اکثریت ارمنی

1. Artsakh or Lernayin Gharabagh

بوده، لذا آنها همواره خود را در پیوند با ارمنستان دیده و خواهان پیوستن با آن را داشتند. ارمنستان نیز از چنین خواسته‌ای همواره حمایت نموده است. ادعای آرامنه در مورد قره‌باغ این است که آن را مکمل جغرافیایی و سرزمینی فلات ارمنستان می‌داند. قره‌باغ دارای موقعیت استراتژیک است و ارمنستان با بدست آوردن آن می‌تواند نسبت به آذربایجان در موقعیت برتری قرار گیرد لذا بخاطر همین مسائل و اختلافات، آذربایجان و ارمنستان پس از استقلال وارد نزاع شده و علی‌رغم گذشت 14 سال از آتش بس هنوز اختلافات بر سر جای خود باقی مانده است. بدینگونه ارمنستان همواره خود را در معرض ورود به جنگی جدید می‌بیند، زیرا بخشی از سرزمین آذربایجان (بجز قره‌باغ) را در اشغال داشته و هنوز با انتقال آنها به آذربایجان موافقت نکرده است. در مورد مسئله قره‌باغ نیز اختلافات به حدی عمیق و پیچیده است که می‌تواند برای مدت‌ها موجب تداوم اختلافات دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان گردد.

بجز مسئله مرزهای مورد اختلاف با آذربایجان، ارمنستان از لحاظ تاریخی اختلافاتی نیز با گرجستان داشته است و در اوایل قرن بیستم بر سر برخی نواحی با یکدیگر نزاع مرزی نیز داشته‌اند. در صدر اختلافات مرزی، جاواختیا قرار داشت. در دوره پس از استقلال، ارمنستان بدلیل باز شدن یک جبهه نزاع شدید با دیگر همسایه خود، هیچگاه مایل نبوده است که با همسایه شمالی خود نیز وارد اختلافات سرزمینی شود لذا روابط دو طرف عادی بوده است. ولی بی‌شک بنا بر وجود زمینه‌های تاریخی نزاع و حضور جمعیت قابل توجه آرامنه در گرجستان خصوصاً منطقه جاواختی، احتمال وقوع مجدد اختلافات گذشته وجود دارد. همچنین ارمنستان از ابعاد مختلف با یک همسایه دیگر نیز شدیداً در تقابل قرار دارد. آرامنه از دیر باز با ترک‌ها خصومت تاریخی داشته و بسیاری از اسطوره‌ها و نمادها و ذهنیت‌های تاریخی آنها (همچون اسطوره کوه آرارات و نسل کشی آرامنه) کاملاً در تقابل با ترکیه معنا پیدا می‌کند. ایده ارمنستان بزرگ و یا تصویرهایی که از نقشه تاریخی ارمنستان بزرگ در میان بیشتر آرامنه (خصوصاً ملی‌گرایان تندرو) مجسم می‌شود به شدت به تمامیت سرزمینی ترکیه تجاوز می‌کند. بی‌شک موید این است که آرامنه از نظر وطن تاریخی هنوز به اشباع دست نیافته و محدوده کشور خود را آنچنان وسیع تعریف می‌کنند که به وطن و ارزش‌های دیگر همسایگان تجاوز می‌کند. "آرامنه تمایل زیادی به ایجاد دولت - ملت فراگیر در سرزمین موعود خود در اطراف کوه آرارات دارند و اندیشه تشکیل دولت ملی سال‌ها است

که در بین نسل‌های گذشته و کنونی ارمنه به آرمان‌خواهی تبدیل گشته است. آنها آرامش خود را در گردآمدن کلیه ارمنه از آذربایجان، ایران، لبنان، آمریکای شمالی و جنوبی و دیگر نقاط جهان در سرزمین خود جستجو می‌کنند.¹ (امیر احمدیان، 1387: 33) ترسیم مرزهای وطن تا کوه آرارات و حتی فراتر از آن، به شدت به تمامیت ارضی ترکیه تجاوز می‌کند. این مسئله برای ترکیه غیر قابل تحمل بوده و بارها نسبت به آن اعتراض شدید داشته است. ترکیه از سال 1992 تاکنون در روابط خود با ارمنستان در کنار دو موضوع مهم "پایان دادن به ادعای قتل عام ارمنه" و "نیز پایان دادن به اشغال قره باغ توسط طرف ارمنی" به موضوع بسیار مهم و قابل توجهی نیز تاکید داشته است، یعنی "موضوع شناسایی تمامیت ارضی ترکیه از سوی ارمنستان و احترام کامل به آن." (طباطبایی، 1382: 92) ایده ارمنستان بزرگ، با تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان نیز شدیداً تداخل پیدا می‌کند و در واقع از لحاظ ذهنی تهدیدی برای آن قلمداد می‌گردد.¹ نه تنها طرح مکرر ایده ارمنستان بزرگ و مانور دادن بر نقشه‌های تاریخی آن، موجب برانگیختن احساسات منفی برخی از همسایگان نسبت به ارمنستان شده و بر روابط خارجی این کشور تاثیر منفی بر جای می‌گذارد، بلکه نمود بارز عدم قطعیت در ترسیم نهایی و تام و تمام ایده وطن در اذهان ارمنه است. چنین امری از لحاظ روانی و ذهنی می‌تواند همواره موجب آشفتگی رفتاری و حس دنبال نمودن ارزش‌های مبتنی بر وطن در فراسوی مرزهای سرزمینی موجود شود.

بطور کلی ارمنستان هنوز از لحاظ اشباع سرزمینی با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه است و هنوز در زمینه حل مسائل مرزی و سرزمینی خود با برخی همسایگان و نیز دستیابی به تعریف قطعی و بی چون و چرا از مفهوم وطن، دچار اختلافات عملی و شک و شبهه‌های ذهنی است که باید آنها را حل و فصل نماید.

1. برخی معتقدند که ایده ارمنستان بزرگ شدیداً می‌تواند منافع ملی ایران را نیز تهدید نماید. بی شک در صورتی که هر کشور تعریف وطن خود را در تجاوز به محدوده مرزی و وطن مقدس ایران قرار دهد، می‌تواند یک توهین و خطر در نظر گرفته شود. ولی در مورد ارمنستان بنظر نمی‌رسد که چنین قصدی نسبت به ایران وجود داشته باشد و بیشتر ایده ارمنستان بزرگ در جهت تقابل با ترکیه قرار دارد. ارمنه و ایرانیان از دیرباز دارای روابط تاریخی عمیقی بوده اند و مردم ارمنستان به خوبی بر این امر آگاهند که برای قرن‌ها در بطن تمدن ایرانی زیسته و نمی‌توانند ارزش‌های خود را در تقابل با ایران قرار دهند، بویژه آنکه در صورت چنین امری، ادعای متقابل می‌تواند بسیار مستند و تاثیرگذارتر باشد. بی‌شک نقشه تاریخی ایران نه تنها ارمنستان بلکه بسیاری از سرزمین‌های اطراف ایران را در بر می‌گیرد و تمامی تاریخ گواه آن است.

ب) وضعیت حاکمیت ملی و خود مختاری

ارمنستان بر خلاف دو جمهوری دیگر قفقاز جنوبی در زمینه تامین حاکمیت ملی خود مشکل چندانی ندارد و در بعد داخلی، هیچ چالش و خطری حاکمیت ملی داخلی را دچار تهدید نساخته است و تقریباً دولت بر همه نیروهای داخلی اعمال اقتدار نموده است. ولی در بعد خارجی حاکمیت ملی می‌توان برخی مسائل را مشاهده نمود. ارمنستان بنا بر موقعیت، الزامات منطقه‌ای و نیز نیازهای امنیتی در یک پیوند شبه وابستگی به روسیه باقی مانده است و در واقع روسیه در این کشور نفوذ چشمگیری دارد و به شدت بر سیاست‌های داخلی و خارجی آن تاثیر می‌گذارد. چنین نفوذ گسترده‌ای می‌تواند در سطح بین‌المللی تاثیر منفی بر چهره استقلال این کشور داشته باشد. ارمنستان برای پیشرفت روند دولت - ملت سازی نیازمند ارائه تصویر مستقل‌تری از خود در عرصه بین‌المللی است و باید از زیر سلطه روسیه خارج گردد. روسیه اگرچه برای ارمنستان منافع زیادی از جمله در مسئله نزاع این کشور با جمهوری آذربایجان داشته است ولی بی شک در بلند مدت می‌تواند تضعیف کننده حاکمیت ملی و استقلال این کشور باشد.

ج) کانون‌های نزاع با دیگر همسایگان

ارمنستان بطور تاریخی با کانون‌های تهدید و نزاع درگیر بوده است و همواره این مسئله بر روند دولت - ملت سازی در این جمهوری تاثیر گذار بوده است. جنگ و تهدید خارجی می‌تواند در روند دولت - ملت سازی نقش مثبتی ایفا کند که در مورد ارمنستان بنظر این تاثیر مثبت بسیار نمود داشته است. ارمنستان بطور تاریخی تهدید شدیدی را از سوی ترکیه حس می‌کند. در واقع این کشور همواره برای ارمنستان نقش دگر هویت ساز را نیز ایفا کرده است. ریشه اختلافات دو طرف به قرن‌ها پیش باز می‌گردد. آرامنه هنوز تخریب کلیسای معروف خود اچمیادزین¹ توسط عثمانی در اواخر قرن 16م را فراموش

1. Echmiadzin

کلیسای تاریخی اچمیادزین در استان آرمایویر ارمنستان (استان کوچکی در غرب ایروان) قرار دارد. واژه اچمیادزین به معنای ظهور تک فرزند (منظور عیسی مسیح) است. اچمیادزین نام یک شهر نیز هست که تا قبل از 1945 به نام والاش آباد (به ارمنی واغارشاپات) معروف بود و بدست والاش شاه از دودمان ایرانی پارتی بنا نهاده شد. ساختمان کلیسای اچمیادزین نیز بنا به روایاتی اول بار توسط تیرداد سوم پادشاه پارتی تبار ارمنستان بنا نهاده شد.

نکرده اند. (تکمیل همایون، 1385: 7) ارمنه همواره صدمات زیادی از امپراتوری عثمانی متحمل گشتند، ولی بی شک هیچکدام مثل کشتار 1915 ارمنه موجب ذهیت منفی شدید آنها نسبت به ترکیه نشده است. بدینگونه چالش روابط ترکیه و ارمنستان به شدت ریشه در خاطرات مشترک بویژه قتل عام 1915 دارد. ارمنه بسیاری از مصیبت‌های خود از جمله آوارگی اشان در جهان را ناشی از سیاست‌های سرکوب‌گرایانه امپراتوری عثمانی دانسته و همواره خواهان پذیرش و عذر خواهی ترکیه بخاطر نسل‌کشی 1915 هستند. (Goldenberg, 1994: 52-53) در مقابل ترکیه نیز هیچگاه به چنین کاری تن در نداده و معتقد است که ارمنه این واقعه را به شکل مبالغه آمیزی در آورده اند. بدین‌گونه ترکیه به مهمترین کانون تهدید ارمنستان تبدیل گشته است و این امر به شدت بر سیاست‌های داخلی و خارجی ارمنستان تاثیرگذار بوده است. هویت ارمنستان به شدت در تخصص با ترکیه شکل یافته و این موضوع بر جهت‌گیری‌های امنیتی و سیاسی آن شکل می‌دهد. ارمنستان از برجسته ساختن خاطرات تاریخی گذشته بویژه نسل‌کشی 1915، نوعی یکپارچگی و همفکری شدیدی را نیز در نزد کل ارمنه ساکن در ارمنستان و حتی خارج از ارمنستان ایجاد کرده است. ارمنه در هرکجای جهان که هستند، تنفر خود را نسبت به ترکیه بخاطر مصیبت‌های گذشته خود اظهار و بدین‌گونه در جهتی مشترک می‌اندیشند. حتی در ایالات متحده لابی قوی ارمنی بر دستگاه سیاست خارجی آمریکا اعمال فشار کرده و از آن کشور خواسته‌اند که ترکیه را وادار به شناسایی نسل‌کشی 1915 و معذرت خواهی از ارمنه نموده و ایالات متحده نیز به آنها پاسخ مثبت داده است. بی شک دیاسپورای ارمنه (آوارگی ارمنه) و قتل عام 1915 به یک اسطوره تاریخی ارمنه تبدیل گشته است و این اسطوره‌ها نه تنها به یکپارچگی و اجماع ارمنه کمک می‌کند بلکه بر جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آن نیز تاثیر می‌گذارد.

تصویر منفی ارمنه نسبت به ترکیه از زمان وقوع منازعه قره باغ به شدت افزایش یافته است. با بروز این منازعه ترکیه در محاصره و ایزوله نمودن ارمنستان مشارکت نمود و از 1993 حمل هرگونه کالا به این کشور را ممنوع نمود. (واسو توویچ، 1378: 39) جنگ قره باغ و رویاروی ارمنستان و آذربایجان، یک کانون منازعه متداوم برای این کشور ایجاد کرده است که بر کل صحنه سیاست داخلی و خارجی ارمنستان تاثیر گذار بوده است. اگر تهدید ترکیه و خصومت با این کشور بیشتر حالت بالقوه و ذهنی دارد، درگیری با آذربایجان چهره عملی

به خود گرفته و واقعیتی است که پس از استقلال همواره با آن درگیر بوده است. جنگ قره باغ و در انزوا قرار گرفتن منطقه‌ای، به شدت برای دولت ارمنی این ضرورت را ایجاد کرد که به بازسازی و تقویت نظامی و سیاسی خود اقدام نموده و به فکر دست یافتن به متحدانی برای خود باشد. بدینگونه روسیه بعنوان مهمترین و جذاب‌ترین متحد برای این کشور جلوه نمود و در جایی که جمهوری آذربایجان به غرب تمایل نشان داد، ارمنستان نیز روسیه را که خواهان حفظ نفوذ خود در قفقاز جنوبی بود به عنوان متحد استراتژیک، درگیر معادلات کشور خود کرد. تداوم تخاصم با آذربایجان همواره موجب تداوم آمادگی نظامی و تلاش این کشور برای تقویت هرچه بیشتر خود شده است.

البته لازم به یاد آوری است که مابین ارامنه و آذری‌ها ذاتاً اختلاف چندانی وجود ندارد و همانگونه که در قرون متمادی گذشته مشاهده شده است این دو در بطن تمدن و فرهنگ بزرگ ایرانی که روحیه تساهل مدارانه و تنوع مدارانه داشته است، در صلح و صفا زندگی کرده‌اند و حتی مراودات اقتصادی، اجتماعی و حتی گه‌گاه فامیلی نیز داشته‌اند. بنظر می‌رسد ظهور اختلافات مابین ارامنه و آذری‌ها در قفقاز به شدت تحت تاثیر سلطه روسیه بر این منطقه باشد. در واقع این روسیه بود که با سیاست "اختلاف بیانداز و حکومت کن" موجب ایجاد و افزایش اختلافات ارامنه و آذربایجانی‌های قفقاز گردید. احمد آقایی یکی از روشنفکران مسلمان قفقاز در این باره می‌نویسد "مسلمانان و ارامنه قبل از آمدن روس‌ها قرن‌ها در صلح و صفا زندگی کرده‌اند." (آذری شهرضایی، 1381: 49) روس‌ها در بسیاری از نقاط تحت سلطه خود موجب ایجاد اختلافات قومی گشته و از این امر در جهت تداوم سلطه خود استفاده نموده‌اند. اختلافات ارامنه و آذری‌های قفقاز نیز تحت تاثیر این سیاست‌ها بوده است.

وجود کانون‌های نزاع و تهدید نه تنها در داخل ارمنستان موجب تقویت ملی‌گرایی ارمنی و تلاش آن برای افزایش یکپارچگی و همبستگی ملی شده است، بلکه موجب حساسیت هرچه بیشتر تمام ارمنی‌ها در دیگر نقاط جهان نسبت به وضعیت وطن ملی خود شده است و باعث جلب حمایت‌های آنها خصوصاً در ایالات متحده و اروپا (خصوصاً فرانسه) از طریق فشارهای لابی‌های ارمنی بر سیاست‌های این کشورها نسبت به توجه بیشتر به ارمنستان و مواضع آن در مسئله قره باغ گشته است.

پیروزی در جنگ قره باغ و اشغال چند ناحیه از آذربایجان نیز نوعی حس غرور و شجاعت را در آنها ایجاد کرده است و به شدت از نظر تاریخ سازی مورد توجه ملی‌گرایی ارمنی قرار گرفته است. بی شک این در بلند مدت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روند دولت - ملت سازی ارمنستان داشته باشد و همواره منبعی برای رجوع ملی‌گرایی ارمنی برای تهییج احساسات ملی ارمنی‌ها گردد.

گفتار دوم: یکپارچگی و همبستگی ملی

جمهوری ارمنستان از نظر ترکیب قومی تقریباً همگن می‌باشد و این خود یک مزیت برای این کشور (در مقایسه با دیگر جمهوری‌های پس از شوروی خصوصاً دو کشور دیگر قفقاز جنوبی) می‌باشد. همانگونه که خواهیم دید ملی‌گرایی ارمنی و نیز توسل آن به تاریخ سازی‌ها و اسطوره‌ها و نمادهای تاریخی به شدت در زمینه همبستگی و یکپارچگی ملی فعال بوده و بنظر نقش تاثیرگذاری نیز در پیشبرد آن داشته است. همین عوامل موجب گشته است که در دوره پس از استقلال نوعی یکپارچگی شدید در میان ملت ارمنی ایجاد گردد.

بنابراین می‌توان گفت که جمیعت همگن، وجود منبع تاریخی غنی قومی و اسطوره‌ها و نمادهای تاثیرگذار متنوع، نیرومند بودن اسطوره¹ برگزیدگی قومی و وجود کانون‌های تخصصی تاریخی و نزاع بین المللی از جمله عوامل مهم تاثیرگذار بر پیشرفت نسبتاً قابل توجه یکپارچگی و همبستگی ملی در میان ارمنه بوده است. از میان اسطوره‌های سیاسی دولت ارمنستان می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود:

1. اسطوره آرارات

در کتاب آفرینش در عهد عتیق از آرارات به عنوان محل به خاک نشستن کشتی نوح پس از طوفان ذکر شده است و در نزد ارمنه تقدس بسیار بالایی دارد و به شدت در هویت‌یابی

1. اسطوره با افسانه تفاوت دارد. در اینجا منظور از اسطوره، یک انگاره یا رمزگان برگرفته شده و پروبال یافته از یک واقعیت تاریخی و موجود است. اسطوره برای یک قوم یا یک ملت حس زنده بودن و ریشه داشتن در تاریخ را می‌بخشد و در روند دولت و ملت سازی کارکرد بسیار مهمی ایفا می‌کند و حتی توسط دولت‌ها یک مفهوم مبالغه آمیزی از آن نیز ارائه می‌شود و ملی‌گرایی از آن در جهت حفظ و تحکیم همبستگی و یکپارچگی ملی و برانگیختن هویت ملی بسیار بهره می‌برد.

ارامنه و تعریفی که آنها از وطن تاریخی خود ارائه می‌کنند، تاثیر گذار بوده است. کوه آرارات¹ با کشتی نوح بر بالای آن، حتی در نشان دولتی ارمنستان نیز درج شده است که خود خبر از ارج و اهمیت بالای این کوه و نیز سرزمین‌های پیرامونی آن در نزد ارامنه دارد. آرارات به یک اسطوره سیاسی دولت ارمنستان در جهت همبستگی و یکپارچگی ملی و نیز پیشبرد سیاست خارجی این کشور بویژه در ارتباط با دولت ترکیه تبدیل گشته است. اسطوره کوه آرارات نوعی نوستالوژی را نیز در میان ارامنه ایجاد کرده است، بدینگونه که همواره بطور آرمان‌گرایان در اندیشه بازگشت و دستیابی مجدد به آن هستند.

2. اسطوره نسل کشی 1915

پس از قتل عام ارامنه در سال 1915 این واقعه برای ارامنه به یک خاطره تلخ تبدیل گشته است. آنها در هر کجای جهان که باشند این واقعه را فراموش نکرده و با حک آن در ذهن خود، نوعی حس نفرت نسبت به ترکیه را در خود زنده نگاه‌داشته‌اند و برای ارمنستان ترکیه نه تنها به یک دگر هویت ساز منفی تبدیل گشته بلکه یکی از مهمترین عوامل تداوم، یکپارچگی و اجماع ارامنه چه در سطح ارمنستان و چه در سرتاسر جهان است.

الف) هویت ملی در ارمنستان

هویت ملی در ارمنستان در دوره پس از استقلال تصویر رو به رشد و مستحکمی از خود جلوه داده است. "در میان دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، مردم ارمنستان دارای قویترین، منسجم‌ترین، و مستقل‌ترین هویت فرهنگی و تاریخی هستند، هر چند در

1. آرارات کوهی است واقع در شمال شرقی کشور ترکیه در مرز ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان. آرارات دارای دو قلعه آتشفشانی آرارات بزرگ (5137 متر) و آرارات کوچک (3914 متر) است. در زبان ترکی به آن آغری داغ و به زبان ارمنی ماسیس یا مازیک می‌گویند. در منابع عربی و اسلامی "حارث" و "جودی" ذکر شده است و در منابع فارسی به کوه نوح مشهور است. نام آرارات مآخوذ از نام سرزمین ایرارات در ارمنستان است. بعضی از محققان نام دولت اوراتور را که در نوشته‌های عبری باستان از سرزمین آنها به صورت آرارات یاد شده است با همین نام مربوط دانسته‌اند. اورارتوییان در ارمنستان کنونی و قسمتی از آناتولی شرقی و آذربایجان و قفقاز حکومت داشتند و قلمروایشان در حوضه رود کر و ارس، تا ملتقای 2 شعبه از فرات و همچنین سرزمین‌های بین دریاچه گوگچه (سیوان) و ارومیه را در بر می‌گرفت. (نظریان، 1386)

عرصه سیاست و اقتصاد، نظام نه چندان پویایی دارند که با گذشت زمان، با سرعت بیشتری از دیگران بلوغ پیدا خواهد کرد." (سریع القلم، 1379: 101)

ارامنه دارای برخی شاخصهای هویتی و رفتاری خاص می‌باشند که از جمله می‌توان به این سه مورد اشاره کرد:

1. حفظ انسجام و هویت جمعی: ارامنه، امروزه از معدود اقوامی می‌باشند که از فرهنگ تقریباً دست نخورده‌ای بهره‌مند هستند و علی‌رغم پراکندگی شدید آنها در بسیاری از نقاط دنیا، بویژه در سراسر قلمروی شوروی و نقاط دیگر جهان مانند ایران، لبنان، سوریه، فرانسه، امریکا، استرالیا، کانادا و آمریکای جنوبی و اسپانیا (شیخ عطار، 1373: 110) و ... ارمنی‌ها هویت خود را حفظ نموده‌اند.

2. شناسایی هویت خود از طریق شناسایی دشمن همیشگی یعنی ترک‌ها: همانگونه که قبلاً دیدیم در حافظه تاریخی ارامنه نوعی نفرت و خصومت شدید نسبت به ترک‌ها دیده می‌شود و آن نیز بی‌دلیل نبوده، زیرا در گذشته رنج‌های فراوانی از جانب امپراتوری عثمانی و ترکیه (همچون قتل عام 1915) دیده‌اند. این دشمن‌شناسی، برای ارامنه از جمله عوامل شناسایی هویت و حفظ آن می‌باشد و از سوی دیگر نفرت همیشگی آنها را از دشمن تاریخی خود یعنی ترک‌ها (ترکیه) را زنده نگه می‌دارد.

3. عنصر روس دوستی: ارامنه از جمله اقوامی بودند که در دوره روسیه تزاری، با ورود روس‌ها به قفقاز موافق بوده و امید داشتند که این کشور قدرتمند مسیحی از آن‌ها در برابر ترک‌های مسلمان حمایت نماید. همچنین در دوره اتحاد شوروی و نیز پس از آن (دوره استقلال) نوعی تمایل و علاقه به روس‌ها در بین ارامنه دیده می‌شود. «بطور کلی ملی‌گرایی ارمنی خصوصیت «روس دوستی» خود را حفظ کرده است.» (هرتزیگ، 1375: 177)

4. تطبیق پذیری بالا: ارامنه دارای ویژگی تطبیق پذیری بسیار بالایی هستند، بدینگونه که در بسیاری از نقاط جهان حضور داشته و همزیستی بالایی با فرهنگ‌های بومی از خود نشان می‌دهند. البته در عین تطبیق‌پذیری و همزیستی بالا، به ندرت در دیگر فرهنگ‌های مستحیل و جذب می‌شوند و این خود نشان از ایستادگی بالای قومی در میان آنها است.

چنین ایستادگی بالایی بی شک بخاطر این است که هویت ملی ارمنی از سرچشمه‌های تاریخی غنی ریشه می‌گیرد و همین امر بر استحکام آن می‌افزاید. همانگونه که قبلاً نیز دیدیم ارامنه از نظر تاریخی دارای قدمت طولانی هستند و بدینگونه در طول تاریخ دارای خاطرات، افسانه‌ها و اسطوره‌های مختلفی شده اند که در تداوم هویت آنها تاثیر عمیقی داشته است. البته در این باره روایت سازی‌های تاریخی توسط ارامنه کارکرد مهمی ایفا می‌کند. همین روایات مختلف در مورد اصل و منشاء ارامنه نشان از تکاپوی شدید ارامنه برای حفظ هویت خود می‌باشد. در مورد اصل و منشاء ملت ارمنی، روایات مختلفی توسط خود آنها عرضه می‌گردد. بطور مثال مهمترین آنها درباره بعل^۱ و هائیک یا هائیک است، قهرمان و سردودمان ارامنه که بواسطه همان خود راهایک می‌شناسند نه ارمنی. موسی خورنی مورخ ارمنی می‌نویسد که هائیک از اخلاف یافث پسر نوح، علیه بعل از تیتان‌ها^۲، پس از تخریب بابل شورش کرد و پس از آن خانواده خود را که تعدادشان به سیصد نفر می‌رسید به همراه افراد دیگر به سرزمین آارات در شمال برد. در طول مسیر در کنار کوهی توقف کرد، ساکنان آن بخش را به اطاعت از خود در آورد و کوچ نشینی را ایجاد کرد و آن را به نوه خود آرمناک^۳ پسر کادموس^۴ داد و سپس با ادامه راه خود به سوی شمال غربی، به دشت مرتفعی موسوم به هارک^۵ رسید و در آنجا دهکده‌ای ساخت و آن راهایکاشن^۶ نامید. بعل پس از شنیدن خبر نافرمانی هائیک، پسر خود را با پیامی نزد او فرستاد و به او دستور داد که فرمان‌های او را اطاعت کند. هائیک نپذیرفت و بعل پس از گردآوری قوا به مقابله با او شتافت. رویارویی آنها نزدیک دریاچه‌ای با آب شور (دریاچه وان) صورت گرفت. میان دو گروه از تیتان‌ها، نبردی قهرمانانه برپا شد ولی هائیک که تیراندازی ماهر بود، تیری افکند که سینه بعل را سوراخ کرد. لشکریان بعل پس از مرگ رهبر خود روبه فرار نهادند. هائیک به یادبود پیروزی خود دهکده‌ای ساخت که آن راهایک نامید. این منطقه به هایوت دزور^۷ (دره ارمنی) معروف گشت. ملت ارمنی مطابق نام نیای خود، هائیک نامیده شد. موسی خورنی

-
1. Bel
 2. Titans
 3. Armenak
 4. Kadmus
 5. Hark
 6. Haykashen
 7. Hayots Dzor

سپس از اخلاف هائیک‌ها سخن می‌گوید که نام‌های آنها از استان‌ها و نواحی مختلف ارمن‌ها داده شد. وی به تفصیل از اقدامات دلیرانه آرام^۱ سخن می‌گوید که شهرت او از مرزهای سرزمینش فراتر رفته بود. در نتیجه، ملت‌های مجاور آن قوم را ارمن‌ها^۲ یا ارمنی‌ها نامیدند. (بهزادی، 1373: 104-105)

چنین روایت سازی‌های تاریخی که از منابع تاریخی غنی ارمنی استخراج می‌گردد، کوششی است در جهت احیا و تقویت هویت ارمنی که در سالیان پس از استقلال ارمنستان به شدت و در جهت ساخت یک دولت ملی مستحکم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. ارامنه همچنین از چنین روایت سازی‌ها و اسطوره سازی‌های تاریخی در جهت الحاق قره‌باغ به خاک سرزمین خود نیز بطور گسترده‌ای بهره جسته‌اند. مورخان ارمنی، تلاش خود را به ریشه و سابقه استقرار قوم ارمنی و بومی بودن آنها در فلات ارمنستان متمرکز نموده و سعی در تقویت موضع و ادعای ارمنستان در پیوستن قره‌باغ به این کشور می‌نمایند. (محسنین، 1374: 259)

هویت ارمنی با سرزمین تاریخی که رنگ بوی اسطوره‌ای نیز بدان داده می‌شود، ارتباط تنگاتنگ و پیچیده‌ای دارد. (سجادپور، 1373: 10) همانگونه که قبلاً نیز دیدیم سرزمین تاریخی ارمنستان در محدوده‌ای فراتر از ارمنستان کنونی تعریف می‌گردد. این سرزمین تاریخی شدیداً با کوه آرارات و اسطوره‌های مرتبط با آن ارتباط پیدا می‌کند. خواست و آرمان بیشتر ارامنه بازگشت به کوه آرارات و بسط سرزمین خود تا این ناحیه است که البته در این راه ترکیه را پیش‌روی خود می‌بینند. ارامنه معتقدند که از نظر تاریخی کوه آرارات متعلق به آنها بوده و ارامنه ساکن پیرامون آن نیز تحت سرکوب امپراتوری عثمانی و سپس ترکیه مجبور به ترک آنجا شده‌اند. آرارات در نزد ارامنه از تقدس بسیار بالایی برخوردار بوده و به همین دلیل وطن خود را نیز در ارتباط با آن تعریف می‌کنند که البته می‌تواند موجب بروز نزاع مابین آنها و ترکیه شود. بازگشت به آرارات و سرزمین‌های از دست رفته دیگر در آناتولی شرقی به یک نوستالوژی نیز در میان ارامنه تبدیل گشته است و همواره حس روانی بقا و افزایش قدرت به امید دستیابی مجدد بر این سرزمین‌ها را در میان آنها زنده و برانگیخته نگاه می‌دارد و بدین‌گونه در تداوم موجودیت و ایستایی قومی آنها بسیار تاثیرگذار است.

1. Aram
2. Armenians

همچنین یکی دیگر از منابع مهم هویت بخش به آرامنه، دیاسپورا یا آوارگی آنها است که خاطرات و سرگذشت‌های تاریخی غنی برای آنها ایجاد کرده است. سال‌های دیاسپورا (آوارگی)، مخزنی از خاطرات مربوط به آزار و اذیت‌های ترک‌ها را در میان آنها ایجاد و زنده نگاه داشته است. (Goldenberg: 134) همان‌گونه که دیوید اسمیت نیز بیان می‌دارد¹ در الگوی پراکندگی، تبعید طولانی مدت موجب برانگیختگی احساس غربت شدید و گونه‌ای میل پرشور به باز یافتن سرزمین اصلی خاص اجتماع برگزیده می‌شود² (اسمیت، 1382: 198)، چنین حسی به شدت در میان آرامنه وجود داشته و دیاسپورا، حس بازگشت و تداوم را در آنها زنده نگاه داشته است.

یکی از خاطرات تاریخی آرامنه که در ذهنیت آنها تثبیت یافته و با برانگیختن حس نفرت و انتقام نسبت به ترکیه، در تداوم و انسجام هویتی آنها نیز تاثیرگذار بوده است، کشتار آرامنه در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم است که بطور برجسته در واقعه 1915 تجلی می‌یابد. در واقع، 1915 خود به مرور زمان به یک کد یا نشان ملی با رمزگان اسطوره‌ای تبدیل گشته و ارمنی‌ها هیچ‌گاه آن را از ذهن خود خارج نساخته‌اند. برخی از نویسندگان ارمنی تعداد کشته شدگان سال 1915 توسط ترک‌ها را تا یک و نیم میلیون نفر نیز تخمین می‌زنند³. قتل عام 1915 با چنان جدیتی از سوی محافل و لابی‌های ارمنی و نیز دولت ارمنستان دنبال شده و می‌شود که هنوز هم از مباحث سیاسی روز منطقه و دنیا به حساب می‌آید و دولت ترکیه پس از گذشت بیش از 90 سال، تحت فشارهای شدیدی از ناحیه اروپا و آمریکا و برخی مجامع بین‌المللی در رابطه با همین موضوع قرار دارد. تا جایی که اروپایی‌ها ولو بطور رسمی یکی از شرایط پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را به رسمیت شناختن این مسئله از سوی دولت آنکارا اعلام می‌کنند. (میر محمدی، 1385: 101) به نظر می‌رسد که دولت ارمنستان با زیرکی و آگاهی کامل این واقعه و خاطره تاریخی را چه در میان آرامنه و چه در سطح جهان همیشه زنده نگه می‌دارد و از این لحاظ اهداف خاصی را دنبال می‌کند. زیرا که زنده ماندن این خاطره تاریخی در میان آرامنه خود عاملی است در جهت انسجام و یکپارچگی آنها در هر کجای جهان و همچنین ملی‌گرایی ارمنی با رجوع مکرر به آن، حس نفرت آرامنه را در مقابل ترکیه و نیز آذربایجان بر می‌انگیزد و در واقع موجب آمادگی

1. البته ترکیه چنین برآوردهایی را مبالغه آمیز دانسته و آن را ساخته و افسانه آرامنه می‌داند.

همیشگی آنها برای مقابله با دشمن تاریخی خود می‌گردد و از طرفی در سطح بین‌المللی با زنده نگاه داشتن این بحث از یک سو تلاش می‌کند حقانیت خود در مقابل دشمنانش را موجب گردد و از سوی دیگر موجب فشارهای بین‌المللی بر ترکیه و نیز تا حدودی بر آذربایجان گردد. با زنده نگهداشتن این واقعه در سطح بین‌المللی، به نظر می‌رسد ارمنستان تلاش می‌کند موضع خود را در اصرار بر تملک قره باغ که دارای اکثریت جمعیت ارمنی است توجیه نموده و موجب یادآوری احتمال بروز یک نسل‌کشی دیگر ارامنه در قره باغ گردد. بدین‌گونه این کد یا نشان تاریخی (1915) کارکرد مهمی در سیاست‌های داخلی و خارجی ارمنستان ایفا می‌کند.

ب) حقوق شهروندی در جمهوری ارمنستان

ارمنستان از چند جهت در دوره پس از استقلال با مسئله شهروندی درگیر بوده است و مناظرات جدی در این باره بویژه در سال‌های اخیر خصوصاً در مورد شهروندی مضاعف در میان احزاب و جریان‌های سیاسی این کشور در جریان بوده است.

اولاً، برخی از گروه‌های اقلیت قومی ارمنستان هیچ‌گاه خود را از نظر حقوق شهروندی در وضعیت برابری با ارامنه ندیده و نسبت به آن اعتراضاتی داشته‌اند. برخی تبعیض‌های قومی در اشکال مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و اقلیت‌های قومی نسبت به آنها معترض بوده‌اند. اگرچه تعداد کم این گروه‌های قومی، چندان تهدیدی را برای جمهوری ارمنستان ایجاد نمی‌کند ولی همواره از سوی مجامع بین‌المللی و کشورهای غربی بر دولت ارمنستان برای توجه بیشتر به حقوق این اقلیت‌ها فشار وارد می‌شود.

ثانیاً، خود شهروندان ارمنی نیز از نظر حقوق سیاسی خود با محدودیت‌هایی مواجه بوده و تقاضاهایی برای بازتر شدن فضای سیاسی کشور، کاهش فساد و پاسخ‌گوتر شدن دولت دارند.

ثالثاً، در سال‌های اخیر موضوع شهروندی مضاعف به یک بحث داغ سیاسی در ارمنستان تبدیل گشته است. تعداد بی‌شماری از ارامنه سال‌ها است در دیاسپورا به سر می‌برند و در کشورهای میزبان مختلفی از قاره آمریکا گرفته تا اروپا و آسیا ساکن هستند و شهروندی این کشورها را بدست آورده‌اند ولی همواره ارتباطات خود را با تنها کشور ارمنی جهان و سرزمین پدری خود یعنی ارمنستان قطع نکرده‌اند. دولت ارمنستان نیز چه از نظر

معنوی و چه از نظر مادی حمایت‌های قابل توجهی را از سوی آنها بدست آورده است لذا همواره در تلاش بوده است تا پیوند ارامنه خارج از مرزها با ارمنستان قطع نگردد. همچنین ارمنستان از نظر جمعیت نسبت به دو جمهوری دیگر و خصوصاً جمهوری آذربایجان (که با آن در خصومت قرار دارد) از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست لذا سعی کرده است که از طرق مختلف شاخص جمعیتی خود را بهبود بخشد.

موضوع شهروندی مضاعف از همان زمان استقلال در ارمنستان و در میان جریان‌های سیاسی کشور مورد بحث بود. مخالفین چنین قانونی نگرانی‌های خود را در این باره اظهار و آن را تهدید کننده امنیت ارمنستان و نیز هویت ملی ارمنی می‌دانستند. ملی‌گرایان نیز بر نگرانی‌های خود در زمینه امنیت قومی یا ملی تاکید نموده و بر بینش قومی از هویت ملی تاکید و از یک شهروندی مضاعف مبتنی بر معیارهای قومی حمایت می‌کردند. طبق نظر مخالفین اعطای شهروندی به ارامنه دیاسپورا (در خارج از ارمنستان) با تجارب سیاسی و جهان‌بینی‌های مختلف، موجب محدود شدن ظرفیت خودمختاری در میان شهروندان محلی شده و ضعف دموکراتیک و فقدان اعتماد به حکومت را وخیم‌تر خواهد ساخت. قانون اساسی سال 1995 ارمنستان ایده شهروندی مضاعف را ممنوع نمود ولی زمینه‌هایی را برای ارائه شهروندی ارمنستان برای ارامنه خارجی از کشور فراهم نمود. در ماده 14 قانون اساسی ارمنستان پس از استقلال مقرر گشت "افراد با ریشه ارمنی می‌بایست شهروندی جمهوری ارمنستان را از طریق یک پروسه آسان بدست آورند." شرایط این پروسه را ماده 13 از حقوق شهروندی تعیین می‌کرد. در همان اوایل دوره پس از استقلال اختلافات جدی در این باره بوجود آمد. در واقع موضوع شهروندی دوگانه در ارمنستان به کانون مناظره سیاسی کشور تبدیل گشته بود. سخنگوی مجمع ملی، آرا ساهاکیان¹ در سال 1994 اعلام نمود که مناظره‌ها درباره شهروندی مضاعف و حقوق و تعهدات شهروندان موجب گشت که مجمع ملی به دو جناح تقسیم گردد. (Harutyunyan, 2007) در سال‌های اخیر (بویژه از 2004 به بعد) بحث در این باره شدت یافت و دولت ارمنستان تلاش نمود که با وضع قوانین جدید به آن پایان دهد. طرح شهروندی مضاعف، می‌توانست بالقوه منجر به تغییر شدید در روابط مابین دولت ارمنستان و میلیون‌ها ارمنی که خارج از آن جا زندگی می‌کنند شود. زیرا در جایی که خود ارمنستان حدود 3 میلیون جمعیت دارد، در بیرون از آن مابین 7 تا 10 میلیون ارمنی

1. Ara Saharkyan

حضور دارند که کمابیش ارتباطات خود را با ارمنستان حفظ کرده اند. از سال 1998 دولت رابرت کوچاریان رئیس جمهور ارمنستان نسبت به پذیرش مفهوم شهروندی مضاعف و اصلاح قوانین مربوط به آن نظر مثبت داشت. موافقین شهروندی مضاعف همواره بر این امر تاکید داشته‌اند که این قانون می‌تواند کمک‌های موثرتر برای ارامنه خارج از کشور (دیاسپورا) را تسهیل سازد و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را افزایش داده و از نظر روانشناختی ارامنه را به سرزمین مادری تاریخی‌شان نزدیک‌تر سازد. مادلن میناسیان¹ شهروند ایالات متحده و مدیر ارتباطات (بنیاد) خیریه کافشیان² اظهار نموده که شهروندی مضاعف برای بسیاری از ارامنه دیاسپورا همچون خود وی این احساس را ایجاد خواهد کرد که بدهی و دین خود به سرزمین مادری خود را بپردازند. در داخل ارمنستان احزاب و جناح‌های در قدرت از تصویب قانون شهروندی مضاعف حمایت کردند. از جمله می‌توان به حزب ملی‌گرای دانشناکسیون که عضو ائتلاف در قدرت بود، اشاره کرد که در زمان بحث‌های داغ در مورد حقوق شهروندی مضاعف، از آن حمایت جدی به عمل آورد. در مقابل مخالفین بجز نکات قبلی که گفته شد بر این امر تاکید ورزیده‌اند که حقوق شهروندی تاثیر مخربی بر حاکمیت ملی ارمنستان خواهد گذاشت. استپان گریگوریان³ سخنگوی آرمات⁴، که یک مرکز پژوهش علوم سیاسی است که توسط مقامات پیشین در دولت ترپتروسیان ایجاد گشته است، هشدار داد که "شهروندی مضاعف نمی‌تواند بطور ناقص یا نصفه و نیمه آن‌طور که حکومت اکنون از آن صحبت می‌کند، باشد... شهروندی به معنای داشتن حق رای و انتخاب شدن است، در نتیجه این خطر وجود دارد که حکومت ارمنستان از خارج تحت نفوذ قرار گیرد". گریگوریان بر این اعتقاد بوده که شهروندی مضاعف اجازه می‌دهد برخی از بخش‌های دیاسپورا ارمنی در مخاطره قرار گیرند "بطور مثال در گرجستان، به ارامنه بعنوان ستون پنجم نگاه خواهد شد، بعنوان یک فاکتور سیاسی بی‌ثباتی". بدین‌گونه مخالفین بر آثار مخرب این وضعیت شهروندی چه برای خود ارمنستان و چه برای ارامنه خارج از کشور تاکید داشته‌اند. البته موافقین این طرح در دفاع از نظرات خود بر این امر تاکید داشته‌اند که مخالفین تفسیر و

1. Madlen Minasian
2. Kafescian Charity
3. Stepan Grigorian
4. Armat

برداشت درستی از این طرح ندارند. تیگران توروسیان¹ سخنگوی جناح طرفدار حکومت در پارلمان در این باره اظهار داشت که آرامنه نباید از یکدیگر هراس داشته باشند. "البته این طرح بدین معنی نیست که یک فرد با شهروندی مضاعف می‌باید از همه حقوق یکسان با شهروندی که در جمهوری ارمنستان زندگی می‌کند، خصوصاً در ارتباط با حق رای دادن و حق انتخاب شدن برخوردار باشد." (Avetisian, 2004) نهایتاً پس از بحث و مناظره‌های فراوان، پارلمان ارمنستان در 26 فوریه 2007 لایحه حقوق شهروندی مضاعف را با 66 رای مثبت، 5 رای مخالف و یک رای ممتنع به تصویب در آورد. (Danielyan, 2007) این لایحه در نوامبر 2005 بعنوان بخشی از اصلاحات قانونی اساسی در نزد پارلمان مفتوح شده بود. دیوید هاروتونیان² کسی که لایحه را ارائه کرده بود، بیان داشت که یک تغییر در لایحه ایجاد گشت بدین گونه که افراد برخوردار از شهروندی مضاعف تنها وقتی می‌توانند در انتخابات ارمنستان شرکت جویند که مقیم کشور شوند. این امر نیازمند این است که آنها باید توسط کلانتری‌های نظامی ثبت نام شوند. این لایحه مقرر می‌دارد که شهروندی ارمنی با این شرایط اعلام می‌شود: افرادی که نسب ارمنی دارند، با سن 18 سال به بالا، با سابقه سه سال اقامت دائم در کشور، قادر به سخن گفتن به زبان ارمنی و کسانی که آشنا به قانونی اساسی هستند. همچنین شهروندی می‌تواند توسط زوج‌ها بدینگونه که یکی از آنها یا فرزندشان شهروند ارمنستان باشد، اخذ شود. این لایحه، اخذ شهروندی ارمنستان برای افرادی که فعالانه به منافع ملی کشور آسیب می‌رسانند را ممنوع می‌سازد. افراد با شهروندی مضاعف می‌توانند در انتخابات شرکت جویند ولی اجازه ندارند در ریاست جمهوری یا مجمع ملی ارمنستان کاندیدا شوند. افراد دارای شهروندی مضاعف می‌توانند در ارتش ارمنستان خدمت کنند، ولی آنهایی که 12 ماه در نیروهای مسلح عادی کشوری که شهروندی اولیه آن را دارند و یا 18 ماه در خدمت نظامی جایگزین، تعهد نظامی خود را انجام داده اند، معاف می‌گردند.

نهایتاً می‌توان گفت که ابتکار دولت ارمنستان در اصلاح حقوق شهروندی و گنجانیدن ماده‌ای در مورد شهروندی مضاعف (ماده 13 حقوق شهروندی ارمنستان) می‌تواند در افزایش نقش حمایتی آرامنه دیاسپورا از ارمنستان و نیز افزایش پیوندهای آنها با سرزمین مادری خود

1. Tigran Torosian
2. Davis Harutunian

بسیار موثر باشد و از نظر اقتصادی، جمعیتی و نیز نفوذ بین المللی توان ارمنستان را افزایش دهد. البته همانگونه که قبلاً گفته شد، این امر می تواند هویت ملی ارمنی را با شکافها و ضعفهایی مواجه سازد.

ج) ملی گرایی ارمنی؛ ماهیت و جهت

در اواخر دهه 1980 با بروز احساسات ملی گرایانه در سر تا سر شوروی، ملی گرایی ارمنی نیز جانی تازه گرفت. در این دوره ملی گرایی ارمنی در ارتباط با مسئله قره باغ تهییج و جهت یافت. ملی گرایی ارمنی که در دوره شوروی خاموش یا سرکوب شده مانده بود در 20 فوریه 1988 دوباره سر برآورد، یعنی وقتی که شورای محلی استان ناگورنو-قره باغ به تقاضای انتقال خود از جمهوری سوسیالیستی شوروی به جمهوری سوسیالیستی ارمنستان رای داد. این مسئله آغاز دوباره نزاع آذربایجان و ارمنستان شد. مابین سالهای 1988 تا اوایل 1992 سیاست ناسیونالیسم بر کل روند سیاسی ارمنستان مسلط گشت. مبارزه برای قره باغ در کانون این حرکت ملی گرایانه قرار داشت .

با بهره گیری از فضای سیاسی و اقتصادی آن زمان شوروی (که تحت تاثیر شعارهای گلاسنوست و پروسترویکا بود) ارامنه خواسته های خود مبنی بر اعاده قره باغ به ارمنستان را به شکل تند و در قالب اعتراضاتی مطرح کردند. حدود یک میلیون ارمنی با هیجانانگیزانه تند ملی گرایانه در خیابانها حضور پیدا کرده و شعار اتحاد استان قره باغ به جمهوری خود را سردادند. بدین گونه ملی گرایی ارمنی از آغاز بر خلاف بسیاری از دیگر جمهوریها نه بر علیه شوروی یا روسیه بلکه بر علیه یک جمهوری همسایه جهت یافت. البته به تدریج این حرکت ملی گرایانه خواسته های دیگری از جمله دموکرایزاسیون، کاهش فساد و حل مسائل اجتماعی و ... را به فهرست تقاضاهای خود افزود و البته نهایتاً با تضعیف هر چه بیشتر مشروعیت حکومت شوروی و به گوش رسیدن زمزمه های اضمحلال آن، ملی گرایی ارمنستان همچون دیگر جمهوریهای شوروی، خواستار استقلال شد. در آگوست 1990 حرکت ملی گرایانه استقلال طلبی ارمنستان، قدرت را بدست گرفت و اعلام استقلال نمود. در همین سالها تحت رشد ملی گرایی ارمنی و افزایش خصومت آنها با آذربایجان، عده قابل توجهی از آذری های ارمنستان و نیز کردهای مسلمان این جمهوری مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. ارامنه در توجیه این اقدام، آن را تلافی اقدامات آذربایجان در بیرون راندن ارامنه از

آذربایجان تلقی نمودند. ملی‌گرایی ارمنی با چنین تلاشی توانست به یک همگن‌سازی شدید جمعیتی دست زند و نسبت جمعیت ارمنی جمهوری را از 90 درصد به 98 درصد افزایش دهد.^۱ در همین سال‌ها بنابر آغاز نزاع ارمنی‌ها و آذری‌ها، ملی‌گرایی ارمنی اقدام به سازماندهی نیروهای شبه نظامی نیز کرد و آنها را برای دفاع از دهکده‌های ارمنی در قره باغ و نیز مرز مشترک با آذربایجان گسیل نمود. بدین‌گونه کاملاً می‌توان نیروی قوی ملی‌گرایی در همگن‌سازی جمعیتی و نیز تشکیل نیروی نظامی و دفاعی و تحریک احساسات مردمی برای دفاع را مشاهده کرد. در سال 1990 گورباچف تهدید نمود که بخاطر فعالیت این نیروهای شبه نظامی (که ارتش ملی ارمنستان نامیده می‌شد) و عدم کنترل آنها اعلام وضعیت جنگی در ارمنستان خواهد نمود. البته سریعاً با انتخاب لئون ترپتروسیان^۲ به ریاست شورای عالی ارمنستان در آگوست 1990، تلاش کرد که این نیروهای شبه نظامی را تحت کنترل درآورد. بتدریج با رادیکالیزه شدن ملی‌گرایی ارمنی، خشونت‌ها افزایش یافته و تعداد زیادی از آذربایجانی‌ها در ارمنستان کشته شدند و بدین‌گونه دو طرف کاملاً وارد یک جنگ تمام‌عیار با هم شدند.

ملی‌گرایی ارمنی در این دوره از هر جهت با مسئله قره باغ درگیر بود. در واقع بیشتر حرکت برای حفاظت قومی و بدست آوردن یک سرزمین خارجی (هم خویش) بود. بدین‌گونه بوضوح می‌توان دید که ملی‌گرایی ارمنی در آغاز بطور آگاهانه در جهت ملی‌سازی بسیج نشده و جهت نیافته بود. البته با استقلال ارمنستان، صحنه سیاسی ارمنستان بر منافع و اهداف ملی استوار گشت. البته در این دوره ضعف‌هایی در جنبش ملی‌گرای ارمنستان ایجاد گشت که ناشی از اختلافات درونی یا مابین سازمان‌های ملی‌گرای ارمنستان بود. (Dudwick, 1997: 282-284)

جنبش ملی‌گرای ارمنی عمدتاً تحت هدایت دو سازمان بوده است. اولی، جنبش ملی ارمنستان^۳ (در زبان ارمنی: هایوتس‌هامازگایین شرجوم)^۴ بود که در 1988 و از حرکت

1. بسیاری از ارامنه این همگن‌سازی جمعیتی را یک پیشرفت مثبت در ارمنستان ارزیابی نموده‌اند. یکی از سیاستمداران تندروی ناسیونالیست ارمنی بنام گورگن گغامیان در این‌باره اظهار می‌دارد: "یک فایده این جنگ (قره باغ)، علی‌رغم همه سختی‌هایش، این بود که ارمنستان از این هرزه‌ها (منظورش آذربایجانی‌ها) پاک شد." (Panossian, 2006: 245)

2. Levon Ter-Petrosian
3. Armenian Pan-National Movement (ANM)
4. Hayots Hamazgayin Shrum

جنبش قره باغ "کمیته قره باغ" ایجاد گشته بود. این سازمان عمده توجه خود را پیرامون مسئله قره باغ منعطف نموده و در ابتدا توجه چندانی به مسئله استقلال نمی‌کرد.¹ این سازمان در سال 1991 دچار تنش‌های داخلی گشت. نخست وزیر وازگن مانوکیان که از موسسین کلیدی این سازمان بود، و در کل بعنوان ایدئولوگ آن در نظر گرفته می‌شد، قبل از انتخابات ریاست جمهوری 1991 از آن خارج گشت و حزب دموکراتیک ملی² را بنیان گذاشت. دیگر بنیانگذار این سازمان آشوت منوچهریان³ نیز جنبش ملی ارمنستان را ترک و به مخالفین پیوست. دیگر سازمان مهم که در خارج از ارمنستان (دیاسپورا) بود، فدراسیون انقلابی ارمنستان⁴ (در زبان ارمنی: های هقاپوخاکان داشناکتسیون⁵) یا داشناک⁶ است. فدراسیون انقلابی ارمنستان تا اگوست 1990 در ارمنستان حضور نداشت، از این رو چندان در بسیج حرکت ملی‌گرایی در سال‌های پایانی دهه 1980 دخالتی نداشت. این سازمان، پیشروی مبارزه با ترکیه⁷ و در زمان شوروی ضد شوروی شناخته شده و در جهت استقلال ارمنستان تلاش می‌کرد. پس از استقلال ارمنستان نیز هیچگاه مبارزه با ترکیه را فراموش نکرده است. در 1996 مابین جنبش ملی و فدراسیون انقلابی ارمنستان مبارزه سیاسی شدیدی در گرفت. مابین این دو در مورد موضوعات مختلف (جهت گیری سیاست خارجی، راه حل مسئله قره باغ، نظام سیاسی و اقتصادی کشور و ...) اختلافات عمیقی وجود داشته است و بسیاری عقیده دارند که همین اختلافات ضربه شدیدی بر ملی‌گرایی ارمنی وارد کرده است و آن را وارد بازی‌های قدرت نموده است. جنگ قره باغ یک عامل وحدت بخش در میان رهبران ملی‌گرایانه ارمنستان بود و پس از آتش بس 1994، رفته رفته ملی‌گرایی وحدت خود را از دست داد و به ابزار سیاسی تبدیل گشت. (Panossian: 225-243) برخی از تحلیل گران و صاحب‌نظران ارمنی نسبت به تضعیف ملی‌گرایی ارمنی که خصوصاً پس از

1. از اعضای بنیانگذار آن می‌توان به این افراد اشاره کرد: وازگن مانوکیان، رافائل قازاریان، لئون تر پتروسیان، بابکن آراک، وانو سیرادقیان و...

2. National Democratic Union(NDU)
3. Ashot Manucharian
4. Armenian Revolutionary Federation(ARF)
5. Heghapokhakan Dashnaktsutium
6. Dashnak
7. Anti Turkish

ترور وازگن سرگسیان¹، کارن دمیرچیان (سخنگوی پارلمان) و شش نماینده دیگر در پارلمان (مجمع ملی) ارمنستان، وضعیت وخیم‌تری یافته، هشدار داده و در صورت بروز جنگی دیگر با جمهوری آذربایجان چنین وضعیتی را خطرناک می‌دانند.

در کل می‌توان ویژگی‌های بارز ملی‌گرایی ارمنی در دوره پس از استقلال را در ماهیت ترک ستیزی آن و در کانون قرار دادن بحث قره باغ خلاصه نمود. ملی‌گرایی در شکل افراطی آن که حالت شوونیستی به خود می‌گیرد، کاملاً نسبت به ترک‌ها دید منفی داشته و حتی نگاه آن گه‌گاه آمیخته به نوعی نژادپرستی نیز می‌گردد. در چنین نگرشی مابین آذربایجان و ترکیه هیچ تمایزی قائل نشده و نگرش منفی به ترکیه را به آذربایجان نیز تسری دهند. چنین نگرش افراطی می‌تواند آثار خطرناک و ویرانگری را در پی داشته باشد و در منطقه همواره یک کانون نزاع فرهنگی- هویتی را زنده نگه دارد.

گفتار سوم: ثبات سیاسی و اقتصادی

ارمنستان اگرچه با خطرات جدایی طلبی داخلی روبرو نبوده لذا از این لحاظ دارای نوعی آرامش نسبی بوده است ولی بخاطر درگیری در مسئله قره باغ و لاینحل ماندن آن همواره از نظر خارجی در نوعی تهدید روانی شدید بوده است، بویژه اینکه این تهدید روانی با توجه به خصومت تاریخی با ترکیه حالت جدی‌تری به خود می‌گیرد. مسئله قره باغ و وضعیت نه جنگ و نه صلح با آذربایجان به شدت بر وضعیت سیاسی ارمنستان و معادلات قدرت در این جمهوری تاثیر گذار بوده است. قدرت حاکم نسبت به اتخاذ هرگونه مواضع (بویژه آشتی جویانه) با آذربایجان تحت فشار نیروهای داخلی بوده و مشروعیت و ثبات آن متأثر از رویکرد آن به مسئله قره باغ بوده است. همچنین دولت ارمنستان از خارج نیز با فشار حامی قدرتمند خود یعنی روسیه مواجه بوده و قادر به اتخاذ سیاست خارجی مستقل نمی‌باشد. بنابراین دولت ارمنستان چه از داخل و چه از خارج در اتخاذ سیاست‌های داخلی و خارجی با تنگناهای جدی مواجه بوده است. همچنین در سطح کشور بنابر رقابت قدرت که گاه به حالت تعارض شدید داخلی نیز کشیده شده است، ثبات سیاسی چندان پایدار و مستحکم نشان نداده است. از نظر اعمال سیاست‌های اقتدارگرایانه و حتی نظامی‌گری نیز دولت ارمنستان تصویر مطلوبی از خود نشان نداده است. البته چه در زمینه

1. Vazgen Sargsian

ماهیت اقتدارگرایانه دولت و چه در مورد دنبال نمودن سیاست‌های نظامی‌گرایانه، مهمترین توجیه در همان مسئله لاینحل قره باغ و تهدیدات خارجی ارائه می‌شود.

الف) وضعیت اقتصادی جمهوری ارمنستان

ارمنستان با رکود اقتصادی جدی روبرو است. این رکود تا حدی به دلیل هزینه‌های ناگورنو-قره باغ (که بعد از آتش بس در کنترل ارمنستان باقی مانده است) و تحریم‌های متعاقب از سوی آذربایجان و ترکیه می‌باشد. عدم تساوی در درآمد بالا و درآمد سرانه سالانه بسیار پایین (490 دلار) بوده است. تخمین زده می‌شود که حدود هشتاد درصد جمعیت کشور با درآمدی کمتر از 95 دلار در ماه در خط فقر و یا زیر آن زندگی می‌کنند. اقتصاد فرا قانونی 78 درصد اندازه اقتصاد قانونی است. فساد مانند کل منطقه در اینجا نیز یک معضل بزرگ است. ارمنستان وارد کننده بزرگ نفت و گاز است و برای واردات، بسیار متکی به روسیه است و از این بابت بدهی‌های هنگفتی نیز دارد. (آلیکر، 1382: 480) با تاسیس کارخانه‌های برق هسته‌ای در متسامور¹ تا حدود زیادی کمبودهای مزمن انرژی در این کشور بر طرف گشته است. همچنین ارمنستان برای تامین انرژی گاز مورد نیاز خود وارد توافقاتی با ایران شده و خط لوله گاز طبیعی ایران به ارمنستان کامل گشته و از آوریل 2007 برنامه کاری خود را آغاز کرده است. ارمنستان دارای روابط بسیار حسنه با ایران بوده و در جایی که در یک وضعیت انزوای منطقه‌ای قرار داشته، همان مرز کوتاه مشترک با ایران، بسیار به کمک آن آمده است.

در دوره شوروی تحت نظام برنامه ریزی مرکزی، ارمنستان یک بخش صنعتی مدرن را توسعه داد و امکانات قابل توجهی برای این جمهوری فراهم گشت. از زمان فروپاشی شوروی در دسامبر 1991، ارمنستان در راستا گذار به نظام جدید اقتصادی توجه ویژه‌ای به کشاورزی در مقیاس کوچک در مقایسه با مجموعه‌های صنعتی کشاورزی با مقیاس وسیع دوره شوروی کرده است. از این رو بخش کشاورزی ارمنستان نیازمند سرمایه گذاری و تکنولوژی روز بوده است که کشورهای غربی می‌توانستند در این راه کمک زیادی به این کشور نمایند. اگرچه در گذار به نظام جدید اقتصادی توجه زیادی به خصوصی سازی صنایع شده است ولی در عمل گام‌های آهسته‌ای برداشته شده است. ارمنستان یک وارد کننده

1. Metsamor

مواد غذایی است و از نظر برخی منابع معدنی چندان وضعیت خوبی ندارد. گذار به نظام جدید اقتصادی و برهم زدن نظام اقتصادی مرکزی هدایت شده سابق در دهه 1990 هزینه‌ها و مشکلات فراوانی را برای اقتصاد ارمنستان ایجاد کرد و از آن بدتر وارد شدن در جنگ قره‌باغ و لاینحل ماندن آن مسئله، در اوایل این دهه اقتصاد ارمنستان را شدیداً به ضعف کشانید. از 1994 حکومت ارمنستان، برنامه‌ها و توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول را پذیرفت و این امر در سال‌های 1995 تا 2006 موجب پیشرفت‌های محسوسی در اقتصاد کشور شده است. البته کماکان سطح بیکاری در کشور بالا بوده است و فشارهای زیادی را بر دولت وارد کرده است.

پیوندهای اقتصادی ارمنستان با روسیه بویژه در بخش انرژی همواره بسیار نزدیک بوده و به نوعی اقتصاد ارمنستان بر خلاف بسیاری از دیگر جمهوری‌های پس از شوروی قادر به خروج از نفوذ جدی روسیه نبوده است. نظام توزیع برق در سال 2002 خصوصی شد که توسط شرکت راتو- یوس¹ روسیه در سال 2005 خریداری گشت. ارمنستان در ژانویه 2003 توانست به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید، که این امر می‌تواند جهشی را در اقتصاد این کشور ایجاد کند. بدین‌گونه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سال‌های اخیر افزایش یافته که خود می‌تواند به افزایش سطح رشد تولید ناخالص داخلی به بالاتر از 10٪ کمک کند. (CIA the World, Factbook, 2007)

هنوز اقتصاد ارمنستان با مسائل و مشکلات زیادی روبرو است و تا رسیدن به یک سیستم باثبات اقتصادی و رفع مسائل عمده از جمله فساد بالای اقتصادی راه زیادی دارد. البته با توجه به لاینحل ماندن مسئله قره‌باغ و احتمال از سرگیری مجدد نزاع با آذربایجان، فشارهای زیادی بر اقتصاد این کشور جوان وارد خواهد شد. در حال حاضر همین لاینحل ماندن مسئله قره‌باغ، فشار روانی را برگذار اقتصاد این کشور و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آن وارد می‌کند.

ب) وضعیت توسعه نهادهای سیاسی در جمهوری ارمنستان

قانون اساسی جمهوری ارمنستان در 5 جولای 1995 به فراندوم گذاشته شد و با رای مثبت 68 درصد از شرکت‌کنندگان در انتخابات به تصویب رسید. طبق این قانون

اساسی، رئیس جمهور که توسط آرای مستقیم مردم برای دوره 5 ساله انتخاب می‌شود از وظایف و اختیارات فراوانی برخوردار است. ارمنستان دارای قوه مقننه تک مجلسی با عنوان مجمع ملی¹ است. پارلمان بر یک نظام چند حزبی استوار است و 131 عضو آن توسط رای مردمی انتخاب می‌شوند. البته 90 عضو مجلس توسط لیست حزبی و 41 نفر با رای مستقیم برای دوره 5 ساله انتخاب می‌شوند. همواره یکی از انتقادات مهم وارد به دولت ارمنستان، ضعف شدید پارلمان در مقابل قوه مجریه و نیز برگزاری انتخابات پرمسئله و ناسالم در این کشور بوده است. اگرچه ارمنستان پس از استقلال، عزم خود برای ایجاد یک نظام پارلمانی لیبرال اعلام نمود ولی در عمل دولت یک ماهیت نسبتاً بسته و اقتدارگرایانه را از خود بروز داده است. تحت تاثیر انتقادات فراوان داخلی و خارجی به وضعیت سیاسی ارمنستان و نیز با توجه به خطر وقوع انقلابی رنگین در این کشور، دولت مردان ارمنی سعی در انجام برخی اصلاحات سیاسی کرده‌اند.

در واقع حکومت ارمنستان با آگاهی از شرایط منطقه‌ای (تصادم موج خواسته‌های دموکراتیک در جمهوری‌های پس از شوروی)، برخی اصلاحات مهم برای جلب نظر مردم و حل بحران مشروعیت سیاسی را به مرحله اجرا گذاشته است. در قانون اساسی جدید (سال 2005)، قدرت قوه مقننه افزایش قابل توجهی داشته است و استقلال قوه قضائیه نیز بیش از گذشته تامین گشته است. البته با این وجود قدرت قوه مجریه در ارمنستان هنوز در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی بسیار زیاد است. (Infoplease, 2007) البته شاید یکی از توجهات چنین وضعیتی، وجود تهدیدهای شدید خارجی برای این کشور بوده است که تداوم یک نظام نسبتاً متمرکز و بسته را سبب ساز گردیده است.

اما در روند دولت‌سازی ارمنستان نمی‌توان از نقش بارز احزاب غفلت نمود. در ارمنستان یک نظام چند حزبی وجود دارد و البته سابقه برخی از آنها حتی به یک قرن (دوره کوتاه مدت تشکیل دولت 1918-1920 و حتی قبل از آن) نیز می‌رسد. در اواخر دهه 1980 ملی‌گرایی ارمنی تحت هدایت جنبش ملی ارمنستان به حرکت در آمد و سپس همین حزب در کنار حزب داشناک یا ای. ار. اف بود که به تشکیل دولت مستقل ارمنی اهتمام ورزیدند. بدین‌گونه احزاب از همان آغاز استقلال ارمنستان نقش مرکزی و کلیدی داشته‌اند و به شدت به مدیریت بحران جانشینی کمک کرده‌اند. البته از نظر بسیاری، یکی

1. در زبان ارمنی Azgayin Zhoghov

از مهمترین اشکالات نظام حزبی ارمنستان تفرق شدید آن است. "در باب کمونیست‌ها گفته می‌شود وقتی تعداد کمونیست‌ها به دو نفر می‌رسد تشکیل حزب می‌دهند و وقتی سه نفر شدند انشعاب می‌کنند. این باور کم و بیش در مورد ارامنه نیز صدق می‌کند. در زبان ارمنی مثلی هست مبنی بر اینکه به تعداد ارامنه موجود در جهان حزب ارمنی وجود دارد." همین تفرق شدید موجب شده است که در سطح کشور گه‌گاه بی‌ثباتی‌های سیاسی خطرناکی ایجاد گردد. تقریباً اکثر قریب به اتفاق احزاب ارمنستان دارای دو ویژگی بارز هستند¹ (الف) عدم تصریح و قاطعیت در موضع‌گیری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، (ب) بی‌سیستمی کلی در تمامی ترکیب و ساختار احزاب. "روشندل و قلی پور، 1377: 145)

آژانس ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی¹ در بررسی مفصلی که در سال 2005 از احزاب سیاسی ارمنستان انجام داده به این یافته‌ها دست یافته است:

"محیط سیاسی کنونی ارمنستان برای توسعه یک نظام حزبی سیاسی تکثرگرا (پلورالیستی)، رقابتی، دموکراتیک، یا پاسخگو محیا نیست. نظام‌ها و ذهنیت‌های اتوکراتیک (استبدادی) شدیداً درون احزاب و نیز حکومت رخنه نموده است. علی‌رغم افزایش تعداد و تکثیر احزاب، هیچ حزبی نقش‌های بنیادی انباشت منافع عمومی، ارائه سیاست‌های بدیل، یا مناظره معنی‌دار سازمان یافته بر علائق عمومی، انجام نمی‌دهد. فقدان نظارت و کنترل‌های (چک و بالانس‌های) کارکردی، نهاد اجرایی را قادر ساخته است به سلطه خود بر حیات سیاسی و اقتصادی ادامه دهد. بعلاوه روابط حمایتی متقابل مابین الیگارشی و حکومت به بازی سیاسی با حاصل جمع صفر کمک کرده است. منافع اولیه حکومت باقی ماندن در قدرت است و منافع مخالفین در جایگزینی حکومت و کسب قدرت است." (Nelson and et al, 2005: vi)

برخی از احزاب سیاسی ارمنستان پس از استقلال عبارتند از:

دولت ملی 1993، ارمنستان روشنفکر 1994، اتحادیه فرهیختگان 1994، اتحادیه فرهیختگان 1994، زنان سرزمین ارمنستان 1994، شامیرام 1995، اتحادیه علمی‌مدنی و صنعتی دهه 1990، حزب اتحاد ملی 1996، بخش حقوق (اوریناتس یرکیر) 1998، حزب

1. United States Agency for International Development (USAID)

متحده ترقی خواه کمونیست ارمنستان 1998، حزب مردم 1998، وطن دموکراتیک 1998، سرزمین مادری قدرتمند 1999، آینده با شکوه 1999، حزب دموکراتیک ملی 2001، حزب جمهوری 2001، حزب متحده کارگر 2002، حزب میراث 2003، حزب ترقی خواه لیبرال 2004، حزب عصر جدید 2004.

ج) وضعیت نظامی جمهوری ارمنستان

ارمنستان در مقایسه با دو جمهوری دیگر قفقاز جنوبی، بنظر از نیروی نظامی قوی تری برخوردار باشد. نیروهای نظامی آن بر پایه نیروهای نظامی شوروی مستقر در این جمهوری (بخش نظامی قفقاز جنوبی) شکل یافته است. نیروهای مسلح ارمنستان شامل ارتش (نیروی زمینی)، نیروی هوایی، دفاع هوایی و گارد مرزی می شود. فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده رئیس جمهور ارمنستان است. وزارت دفاع ارمنستان در سال 1992 تاسیس گشته است. از نظر نظامی این جمهوری از ابعاد مختلف در پیوند و وابستگی شدید به روسیه قرار دارد. سربازان روسی سالها است که با گارد مرزی ارمنستان در حفاظت از مرزهای این کشور با ایران و ترکیه مشارکت دارد. ارمنستان عضو سازمان امنیت دسته جمعی با محوریت روسیه است و امنیت خود را به روسیه پیوند داده است. از نظر تجهیزات نظامی نیز ارمنستان در وابستگی شدید به روسیه قرار دارد. بر اساس معاهده تاشکند یا همان پیمان امنیت دسته جمعی، مقرر شد ارمنستان حداکثر 220 دستگاه تانک، 220 هاورکرافت و خودرو زرهی و 285 قبضه توپ داشته باشد. همچنین طبق همین توافقنامه ارمنستان مجاز شده تا 100 فروند هواپیمای جنگی و 50 فروند بالگرد تاکتیکی داشته باشد. (چشمه اعلائی، 1384: 150) ارمنستان در سالهای اولیه استقلال در زمینه تامین بهترین سلاحهای روسی پیشرفتهایی داشته است. از جمله تعداد 120 تانک تی 72 و تعداد 75 دستگاه تانک از انواع دیگر تهیه کرده و 400 دستگاه خودرو زرهی و نفر بر زرهی و 340 قبضه توپ خود کششی، سلاحهای ضد تانک و موشکهای سام 4 و انواع سلاحهای سبک و سنگین دیگر بدست آورده است. ارمنستان پایگاه هوایی خود در ایروان را که مجهز به دو اسکادران هواپیماهای جنگی؛ یک پایگاه زمینی در گیمیری مجهز یک تیپ مکانیزه و ... را نیز از زمان شوروی به ارث برده است. (مشفق فر، 1383:

47-48) کمک‌های نظامی روسیه در پیروزی آرامنه در جنگ قره باغ بسیار موثر بود. حمایت‌های نظامی روسیه در سال‌های پس از استقلال ارمنستان همواره تداوم داشته است. ارمنستان پیمان نیروهای مسلح متعارف در اروپا¹ را در جولای 1992 به تصویب رساند و در سال 2001 ارمنستان در چارچوب تعهدات خود به این پیمان، اعلام نمود که 102 تانک تی 72، هفتاد دو توپ سنگین و 204 زره پوش نظامی دیگر (عمدتاً نفربر) را در اختیار دارد. ارمنستان بدلیل تخصصی که با آذربایجان دارد به شدت در پی توسعه و گسترش نیروهای مسلح خود بوده است. نیروی نظامی این کشور در حال حاضر حدود 10 درصد از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهد که حجم بالایی می‌باشد. نیروهای فعال نظامی آن حدود 60000 سرباز، با یک نیروی ذخیره اضافی 32000 و یک نیروی ذخیره 350000 نفری است. آمادگی بیشتر نظامی آن در واکنش به تهدیدات ترکیه و آذربایجان است.

ظاهراً نیروی هوایی ارمنستان متکی بر 18 میگ 29 اس (که اخیراً از روسیه خریده است)، 30 میگ 29 اس روسیه مستقر در پایگاه 102 در گیمری، و 15 سوخوی 25، یک جنگنده میگ 25، و 12 بالگرد ام‌ای 24² خود می‌باشد. نیروی دفاع هوایی ارمنستان نیز دو هواپیمای باربری ای‌ای 76³ برای حمل سربازان و امکانات دیگر را در اختیار دارد. طبق یک گزارش، نیروی هوایی ارمنستان در سپتامبر 2005، 10 سوخوی 25 را از اسلواکی خریده است. دفاع ضد هوایی ارمنستان نیز مرکب از یک تیپ موشک ضد هوایی و دو هنگ مسلح با 100 مجموعه از مدل‌های موشکی مختلف از جمله اس‌ای 8⁴، ام 79 اوسا⁵، کراگ⁶، اس 75⁷، اس 125⁸، استرلا⁹، ایگلا¹⁰ و اس 300¹¹ می‌باشد. همچنین نیروی نظامی ارمنستان دارای 24 موشک بالستیک اسکاد با هشت سکوی پرتاب است.

-
1. Treaty on Conventional Armed Forces in Europe (CFE)
 2. Mi-24
 3. II-76
 4. SA-8
 5. M79 Osa
 6. Krug
 7. S-75
 8. S-125
 9. Strela
 10. Igla
 11. S-300

بجز نیروهای یاد شده، 20000 سرباز نیز وظیفه محافظت از ناگورنو قره باغ را بر عهده دارند. این نیرو که ارتش جمهوری ناگورنو قره باغ نیز نامیده می‌شود دارای تجهیزات سبک و سنگین مختلفی است. طبق اعلام حکومت جمهوری آذربایجان، تجهیزات سنگین نظامی قره باغ شامل، 316 تانک، 324 زره پوش مسلح، 322 توپ با کالیبر 122 میلی‌متری، 44 موشک اندازه و یک سیستم دفاع ضد هوایی است. ناگورنو قره باغ هیچگونه تعهدی به پیمان نیروهای مسلح متعارف اروپا (سی. اف. ای) ندارد لذا در داشتن هرگونه و هر اندازه تسلیحات محدودیتی را نمی‌بیند.

در مجموع می‌توان گفت که وجود کانون‌های نزاع و تهدید برای ارمنستان (ترکیه و آذربایجان) به شدت بر جهت گیری‌های نظامی و امنیتی و نیز سیاست‌های نظامی گرایانه این کشور تاثیر گذار بوده است. ارمنستان با توجه به این تهدیدات در تلاش برای تقویت هرچه بیشتر توان نظامی خود بوده و از این لحاظ از کمک‌های روسیه نیز به شکل جدی برخوردار گشته است. ارمنستان از نظر نظامی و امنیتی کاملاً به روسیه وابسته بوده و چه از نظر تجهیزات و چه از نظر استراتژی‌ها و گرایش‌های امنیتی در پیوند با روسیه است.

خصوصیت تاریخی این کشور با ترکیه موجب گشته است که با یونان (دشمن تاریخی ترکیه) همکاری‌های نزدیکی برقرار و آن را بعنوان متحد خود در ناتو در نظر بگیرد. در قالب این همکاری‌ها، تعدادی از سربازان ارمنستان هر ساله در یونان آموزش می‌بینند و همچنین کمک‌های نظامی نیز از سوی یونان به ارمنستان واگذار می‌شود. در سال 2003 دو کشور توافقنامه همکاری نظامی را امضاء کردند که طبق آن یونان با افزایش شمار پرسنل نظامی ارمنستان برای آموزش در ارتش و آکادمی‌های نظامی - پزشکی در آتن موافقت می‌کند. رفتار ارمنستان کاملاً بر مبنای آن مثل مشهور سیاسی است که "دشمن دشمن من دوست من است"، و بدین‌گونه یونان بعنوان دشمن ترکیه، دوست نزدیک ارمنستان شده است.

در کل بنظر می‌رسد که ارمنستان با توجه به تجهیز نظامی خود و ورود در ترتیبات امنیت دسته جمعی روسیه و همکاری‌های گسترده با آن، از توان بالایی برای دفاع از امنیت خود بویژه در مقابل دو همسایه خود (ترکیه و جمهوری آذربایجان) برخوردار است و به همین دلیل در مسئله قره باغ بنظر نمی‌رسد که جمهوری آذربایجان حاضر به جنگی دیگر باشد و لذا کماکان تلاش خواهد کرد از طریق مسالمت آمیز مناطق اشغالی خود توسط ارمنستان از جمله قره باغ را باز پس گیرد. البته در صورت درگیر شدن بیشتر ناتو در منطقه

و برهم خوردن تعادل منطقه‌ای به نفع ایالات متحده و به ضرر روسیه، بی شک وضعیت متفاوت خواهد شد و بنظر آذربایجان در موضع قوی‌تری قرار خواهد گرفت. البته نباید فراموش کنیم که سیاستمداران ارمنستان کاملاً عمل‌گرا بوده و قادر به کسب حمایت‌های غرب در مواقع ضروری نیز هستند، بویژه اینکه از لابی‌های فشار نیرومندی در ایالات متحده و اروپا (بویژه فرانسه) برخوردارند.

جدول 1: اطلاعاتی درباره نیروی نظامی ارمنستان

نیروهای مسلح ارمنستان	نیروهای زمینی، نیروی دفاع از خود ناگورنو قره باغ ¹ ، نیروی هوایی، نیروی دفاع هوایی،
تعهد و سن خدمت نظامی	18 تا 27 سال برای خدمت نظامی اجباری، 18 سال برای خدمت نظامی داوطلبانه، 2 سال تعهد خدمت نظامی
نیروی آماده برای خدمت نظامی	سن مردان 18-49: 722836؛ سن زنان 18-49: 795084 (برآورد 2005)
نیروی مناسب برای خدمت نظامی	سن مردان 18-49: 551938؛ سن زنان 18-49: 656493 (برآورد 2005)
تعداد نیروی سن خدمت نظامی سالیانه	مردان 18-49: 31774؛ سن زنان 18-49: 31182 (برآورد 2005)
هزینه‌های نظامی - درصد از GDP	6.5٪ (بر اساس برآورد 2001) (10)
نیروهای نظامی خارجی در کشور	مربانان روسی مستقر در مرز ایران و ترکیه، نیروهای روسی مستقر در پایگاه 102

CIA the World Factbook, 2008

د) وضعیت دموکراسی در جمهوری ارمنستان

فضای سیاسی ارمنستان نیز همچون بیشتر جمهوری‌های پس از شوروی با تنگناها و محدودیت‌هایی مواجه بوده است. اگرچه طبق رده بندی‌های خانه آزادی، این کشور از نظر حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، یک کشور نسبتاً آزاد معرفی می‌گردد، ولی مخالفت‌ها و

1. Nagorno-Karabakh Self Defence Force

نارضایتی‌های مردمی در این جمهوری نیز در شکل بارزی قابل مشاهده است. وضعیت نه چندان مطلوب اقتصادی این جمهوری بر شکل گیری اعتراضات بسیار تاثیر گذار است. یکی از مهمترین انتقاداتی که به دولت ارمنستان وارد است، ابهام در برگزاری انتخابات در دوره پس از استقلال بوده است که هم موجب بروز برخی اعتراضات داخلی و نیز اعتراض و مخالفت کشورهای غربی شده است. در طول این دوره بارها ناظران بین المللی سلامت و عادلانه بودن انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری را در این کشور زیر سوال برده اند. در انتخابات 1995، 1999، 2003، و فراندوم قانون اساسی سال 2005 ضعف‌های بسیار بزرگی در برگزاری انتخابات از سوی دولت ارمنستان مشاهده شد. آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی در این کشور هنوز با ضعف‌ها و محدودیت‌های بزرگی مواجه است و برخورد حکومت با رسانه‌ها و روزنامه نگاران مستقل و نیز مخالفین دولت نیز چندان مطلوب نبوده است. بطور مثال دولت ارمنستان نیکول پاشینیان مدیر مسئول روزنامه "اراکیر" را در سال 1999 به یک سال زندان محکوم کرد. این نخستین بار در تاریخ ارمنستان بود که روزنامه نگاری برای چاپ مطلبی زندانی می شد. اتهام او اهانت به نماینده یکی از مقامات، افترا و امتناع از تصحیح و تکذیب آن بود. (Herbert, 2000: 186)

جدول 2- برخی شاخص‌ها در مورد فضای سیاسی و سطح پیشرفت دموکراتیک در ارمنستان

شاخص	1999	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007
فرایند انتخاباتی	5/25	5/50	5/50	5/50	5/75	5/75	5/75	5/75
جامعه مدنی	3/50	3/50	3/50	3/50	3/50	3/50	3/50	3/50
رسانه‌های مستقل	4/75	4/75	4/75	5/00	5/25	5/50	5/50	5/75
حکومتداری	4/50	4/50	4/50	4/75	4/75	n/a	n/a	n/a
حکومتداری دموکراتیک ملی	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	5/00	5/00	5/25
حکومتداری دموکراتیک محلی	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	5/50	5/50	5/50
استقلال و بدنه قضایی	5/00	5/00	5/00	5/00	5/00	5/25	5/00	5/0
فساد	5/75	5/75	5/75	5/75	5/75	5/75	5/75	5/75
نمره دموکراسی	4/79	4/83	4/83	4/92	5/00	5/18	5/14	5/21

توضیح: نمرات بر اساس 1 تا 7 تعیین شده است. 1 نشاندهنده بالاترین سطح پیشرفت سیاسی است و 7 پایین ترین.
 Na= اطلاعاتی در دسترس نیست.

بنابر همین، مسائل و مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی، تداوم هزینه‌های مربوط به مسئله ناگورنو- قره باغ، فشارهای غرب برای کاهش پیوندهای حکومت ارمنستان با روسیه و از همه مهمتر برگزاری انتخابات ناسالم و غیر منصفانه در این کشور، بسیاری از ناظران و تحلیلگران بر این نظر بودند که احتمال بروز انقلابی رنگین دیگری در این کشور نیز وجود دارد. بویژه اینکه دو کشور دیگر قفقاز گرجستان و آذربایجان کاملاً مسیر غرب‌گرایی را در پیش گرفته و به نوعی، ارمنستان را نیز تحت فشار منطقه‌ای و بین‌المللی برای تغییر جهت‌گیری‌های خود نسبت به روسیه قرار داده‌اند. وقوع انقلاب رنگین در همسایه شمالی این کشور، در موج اول می‌توانست این کشور را که تحت تاثیر قرار دهد. نشانه‌هایی از این تاثیرگذاری در سال‌های اخیر مشاهده شده است.

در پی انقلاب لاله قره‌قیزستان، آرام سرکیسیان رئیس حزب جمهوری خواه ارمنستان خواهان حمایت افکار عمومی برای انقلاب در این کشور شد. به گزارش رسانه‌های ارمنستان، وی که از مخالفین سرسخت رابرت کوچاریان، رئیس جمهوری وقت ارمنستان بود، گفت: "کشور به یک انقلاب و تغییر ارزش‌ها احتیاج دارد. "سرکیسیان افزود: "رئیس جمهوری ارمنستان باید از قدرت کناره‌گیری بکند و او نمی‌تواند فرد دیگری را به جای خود بگذارد." او همچنین از مردم خواست که برای تحقق این هدف، به او و جناح وی ملحق شوند. (مولوی، 1384)

آرام کاراپتیان^۱، رهبر حزب سیاسی "روزگار جدید"^۲ در آوریل 2005 از قصد خود برای آغاز "یک انقلاب از پایین" خبر داد و اعلام نمود که در حال حاضر شرایط متفاوتی برای توسعه سیاسی فراهم گشته است. او همچنین گفت: انقلاب ارمنستان بی شک صلح‌آمیز ولی در عین حال بدون رنگ خواهد بود. (Armenia Diaspora, 2007) شاید وی از ترس اینکه مبدا روسیه که دارای نفوذ شدیدی در ارمنستان است از کاربرد اصطلاح انقلاب رنگین خشمگین گردد، تنها از واژه صلح‌آمیز و نه رنگین استفاده نمود. برخی از ناظران و تحلیل‌گران، انتخابات پارلمانی سال 2007 را برای بروز بحران سیاسی و احتمالاً انقلاب رنگین محتمل می‌دانستند. ولی چنین امری در این جمهوری نیز همچون بلاروس

1. Aram Karapetyan
 2. New Times

تحقق نیافت. در واقع اگر در کشور بلاروس، بنابر سیاست‌های بسته‌تر و محدود کننده‌تر لوکاشنکو، هیچ راهی برای خود نمایی جامعه مدنی و مخالفین اوکراین فراهم نگشت و این رئیس جمهوری مقتدر، با نهایت توان مانع از بروز انقلابی رنگین شد، در ارمنستان نیز دولت‌مردان آن با تجربه‌ای که از وقوع انقلابات رنگین در پس انتخابات ناسالم و پر مسئله در جمهوری‌های گرجستان، اوکراین و قرقیزستان، بدست آورده بودند، تلاش نمودند این بار با برگزاری انتخاباتی نسبتاً کم مسئله بهانه‌ای به مخالفین ندهند تا انقلاب رنگین دیگری را به تحقق برسانند. در این انتخابات که نسبت به انتخابات گذشته پیشرفت‌هایی بارز در چگونگی برگزاری انتخابات مشاهده می‌شد احزاب طرفدار حکومت 103 کرسی از 131 کرسی مجمع ملی (پارلمان) را بدست آوردند.

در مجموع می‌توان گفت که از نظر توسعه سیاسی و سطح دموکراسی، این جمهوری هنوز با مسائل و معضلات عدیده‌ای روبرو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

جمهوری ارمنستان در روند دولت - ملت سازی خود با چالش‌های کمتری مواجه بوده و بنظر کانون‌های نزاع منطقه‌ای خود نیز از ابعاد مختلف برای آن نقش مثبتی ایفا کرده است. ارمنستان بر خلاف دو جمهوری دیگر قفقاز جنوبی با چالش جدایی طلبی و واگرایی قومی روبرو نبوده و برخورداری از یک جمعیت تقریباً همگن شرایط بسیار مطلوبی را برای روند دولت - ملت سازی این جمهوری فراهم ساخته است. همچنین ارمنستان بر خلاف دو جمهوری دیگر با روسیه مرز مشترک ندارد لذا چندان تهدیدی را از جانب این قدرت حس نمی‌کند و حتی در راستا منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود در جهت اتحاد استراتژیک با آن نیز حرکت نموده و در دوره پس از استقلال در زمانی که جمهوری آذربایجان و گرجستان بسوی غرب متمایل شده اند، این جمهوری روابط نزدیک خود را با روسیه حفظ نموده است. روابط نزدیک با روسیه و حمایت‌های آن در اوایل استقلال به ارمنستان کمک کرد در اولین جنگ پس از استقلال خود یعنی جنگ قره باغ به پیروزی بزرگی دست یابد. البته ارمنستان برای اینکه بتواند برنامه‌های توسعه سیاسی و اقتصادی خود را به پیش ببرد، نیازمند گسترش روابط با غرب است البته اتحاد با روسیه به‌عنوان یک مانع بزرگ جلوه می‌کند.

از نظر شاخص اول و دوم روند دولت - ملت سازی در ارمنستان وضعیت بهتر و روبه رشدی را نشان می‌دهد. البته هنوز مسائل و مشکلاتی بویژه از نظر اشباع سرزمینی مشاهده می‌شود. در مقابل از نظر شاخص سوم ضعف‌های اساسی مشاهده می‌شود. در این چارچوب بیشترین مشکلات در زمینه وضعیت نامطلوب اقتصادی و ضعف توسعه سیاسی قابل مشاهده است. از نظر پیشرفت دموکراسی این کشور هنوز با موانع بزرگی روبرو است و بویژه نزدیکی آن به روسیه موجب می‌گردد که فشارهای غربی بر آن فزاینده باشد. ارمنستان دارای روابط بسیار نزدیکی با ایران بوده و علی‌رغم مرز محدود مشترک با ایران، بهترین منافع را از روابط با ایران کسب نموده است. در کل ارتباط تاریخی آرامنه با فرهنگ و تمدن ایرانی، آنها را همواره از نظر روانی نسبت به ایران نزدیک نگاه می‌دارد.

در کل می‌توان گفت که ارمنستان در مقایسه با دو جمهوری دیگر قفقاز جنوبی با چالش‌ها و مسائل به مراتب محدودتری در روند دولت - ملت‌سازی خود روبرو است.

منابع و مأخذ:

1. آذری شهرضایی، رضا (1381) "درگیری‌های قومی در قفقاز و بازتاب آن در ایران، نگاهی به حوادث آشوب 1905"، فصلنامه گفتگو، شماره 33.
2. آلیکرا، اولگا (1382)، "گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز"، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه و دیگران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
3. اسمیت، دیوید (1382) "چالش‌های قومی و واپس ماندگی ملت‌ها؛ با نگاه به نظریه‌های بقای قومی"، فصلنامه راهبرد، شماره 29.
4. امیر احمدیان، بهرام (1378) "روند تحولات در بحران قره باغ"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 28، بهزادی، رقیه (1373) "خاستگاه ارمنی‌ها به روایت مورخان کهن"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره 6.
5. تکمیل همایون، ناصر (1385) "ایروان در پیوند تاریخی با ایران"، ایراس، سال اول، شماره اول.
6. چشمه‌اعلایی، مهرداد (1384) "جمهوری اسلامی ایران و تحولات حوزه قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 52.
7. روشندل، جلیل و قلی‌پور، رافیک (1377)، "ارمنستان"، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1377.
8. سجادی‌پور، سید محمد کاظم (1373) "هویت ارمنی و مسئله سرزمین؛ نگاهی به برخی از ابعاد مطالعات ارمنی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 6.
9. سریع‌القلم، محمد (1379) "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف"، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
10. شیخ‌عطار، علیرضا (1373) ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
11. طباطبایی، مهرداد (1382) "احیای روابط ارمنستان - ترکیه: ادامه آرمان‌گرایی یا غلبه منافع ملی؟"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 44.
11. محسنین، مهرداد (1374) نقد و بررسی کتاب "ناسیونالیسم و تاریخ: سیاست‌های ملت‌سازی در ارمنستان، آذربایجان و گرجستان پس از فروپاشی شوروی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 12.

12. مشفق فر، ابراهیم (1383) "تحولات نظامی قفقاز جنوبی و نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 46.
13. مولوی، پیمان (1384) "تراژدی انقلاب لاله‌ای در قرقیزستان" <http://www.did.ir/>
14. میر محمدی، سید رضا (1385) "مناقشه قره‌باغ، ریشه‌ها و پی آمدها"، ایراس، سال اول.
15. نظریان، اصغر (1386) "آرارات"، <http://www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=123&avaid=160>
16. واسو توویچ، و. پ. (1378) "جایگاه ارمنستان در تلقی آمریکا از جغرافیای سیاسی منطقه قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 26.
17. هرتزیگ، ادموند (1375) "ارمنی‌ها"، در گراهام اسمیت (ویراستار)، ملیت‌های شوروی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1375.
18. Armenia Diaspora, "Time for Revolution", (Accessed 13/8/2007) <http://www.armeniandiaspora.com/index.php?do=printible&id=201178>
19. Avetisian, Tigran (2004) "Is a Proposed Relaxation of Citizenship Laws a Benefit or a Danger for Armenia?", Global Policy Froum, (October 13. 2004) <http://www.globalpolicy.org/>
20. CIA The World Factbook 2007, "Armenia", (15 November 2007) <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/index.html>
21. Danielyan, Emil (2007) "Armenia allows Dual Citizenship Amid Controversy", EURASIANET, (2/2/2007) <http://www.eurasianet.org/>
22. Dudwick, Nora (1997) "Armenia: Paradise regained or lost?, in Ian Bremmer and Ray Taras (eds)", New States, New Politics Building the Post-Soviet Nations, Cambridge: Cambridge University Press.
23. Goldenberg, Suzanne (1994) Pride of Small Nations; "The Caucasus and Post-Soviet Disorders", London and New Jersey: Zed Books Ltd, 1994.
24. Harutyunyan, Arus (2007) "Dual Citizenship Debates in Armenia: In Pursuit of National Identity since Independence", Find Articles.com, (Accessed 2/12/2007) http://findarticles.com/p/articles/mi_qa3996/is_200604/ai_n17174734/print
25. Herbert, John (2000) "Practicing Global Journalism; Exploring Reporting Issues Worlwide", Focal Press, 2000.
26. Infoplease, "U.S. Department of state Background Note-Armenia", (June 2007), <http://www.infoplease.com/country/profiles/armenia.html> (Accessed 18/8/2007)
27. Nations in Transit 2007- Armenia, Freedom House, (Accessed 18/8/2007) http://www.freedomhouse.hu/images/fdh_galleries/NIT2007/nt-armenia-proof-ii.pdf
28. Nelson, Sue and et.al (2005) Armenia Political Party Assessment; Final Report, United States: USAID.
29. Panossian, Razmik (2006) "Post-Soviet Armenia, Nationalism & Its

(Dis)contents", in Lowell W. Barrington(ed), *After Independence; Making and Protecting the Nations in Post communist States*, Michigan: the University of Michigan.